

نعمت رضوان الهی و چگونگی رسیدن به آن از منظر آیات الهی

سید عباس حسینی پور عزآبادی^۱

چکیده

قرآن نعمت‌های مادی و معنوی متفاوتی را برای اهل بهشت بیان کرده است. در این میان، نعمت «رضوان» را به عنوان نعمتی معنوی معرفی می‌کند. از رضوان الهی که همان رضایت و خشنودی خداوند نسبت به بنده بوده، با تعبیر «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» به بالاترین و مهم‌ترین نعمت‌های بهشت یاد شده که این خود، از اهمیت تکامل روحی و معنوی انسان به عنوان اصل خلقت، پرده برمی‌دارد. بر اساس روایات از آیات الهی این‌گونه برمی‌آید که لازم است بندگان برای دستیابی به این نعمت بزرگ به درگاه الهی دعا کنند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بیان چگونگی رسیدن به این نعمت بزرگ پرداخته است. آیات قرآن، ایمان حقیقی و عمل نیک، هجرت برای پایبندی به اعتقادات، تلاش بدنی و مالی در مسیر الهی، برپاداشتن نماز و پرداخت زکات و اطاعت‌پذیری از خداوند و پیامبرش را از اسباب رسیدن به این نعمت بزرگ بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: رضوان الهی، نعمت، بهشت، نعمت معنوی، بالاترین نعمت بهشت.



*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴.

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث (noorolaeme۱۲@gmail.com)

۱. مقدمه

قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی در بردارنده مفاهیم والایی است. بهشت نتیجه اعمال نیکی است که انسان در زندگی دنیا برای خود رقم زده است. بر اساس آیات الهی، نهرهای شیر و عسل و میوه‌های متنوع از جمله نعمت‌های بهشت است که نصیب ساکنان آن خواهد شد. توصیف بهشت و نعمت‌های آن از موضوعاتی است که در قرآن، فراوان به آن پرداخته شده است. نعمت «رضوان الهی» نیز از دیگر نعمت‌های بهشت بوده که بر اساس آیه ﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۷۲)، به عنوان بالاترین نعمت معرفی شده است.

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش و بررسی نعمت «رضوان» از آن جهت است که یکی از مهم‌ترین موضوعات قرآنی را که بیان نعمت‌های بهشت است، بیان می‌کند؛ همچنین بیان راه‌های دستیابی به این نعمت ارزشمند از دیگر جنبه‌های ضرورت و پرداختن به این موضوع است.

۲-۱. سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که: نعمت رضوان الهی که به عنوان بالاترین نعمت معرفی شده، چیست؟ از منظر آیات الهی چگونه می‌توان به این نعمت دست پیدا کرد؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به این که این نعمت از زبان قرآن معرفی شده، مفسران در تفاسیر به بیان آن پرداخته‌اند و در برخی از مقالات نیز از آن سخن گفته شده است؛ لکن تاکنون به این شیوه در مقاله‌ای جداگانه، معنای این نعمت و راه‌های دستیابی به آن از نگاه قرآن مطرح و بررسی نشده است.

۴-۱. روش پژوهش

نگارنده در این پژوهش بر آن است با استعانت کلام مفسران به روش تحلیلی - توصیفی، ضمن معرفی نعمت رضوان الهی، به سؤالات مطرح شده پاسخ دهد و راه‌های دستیابی به این نعمت را بیان کند.

۵-۱. مفهوم‌شناسی رضوان

رضوان از ماده «رَضِيَ يَرْضَى رِضاً» اسمی است که برای «رضا» قرار داده شده است. این واژه به معنای خشنودی زیاد آمده و چون بزرگ‌ترین رضا، خشنودی خدای تعالی است، واژه «رضوان» در قرآن به هر چه که از اوست اختصاص یافته است. رضای بنده از خدا آن است که قضای خدا را مکروه ندارد و رضای خدا از بنده آن است که ببیند بنده از دستور او پیروی و از منهی او کناره‌گیری می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۸۰/۲).

رضوان به معنای خشنودی و رضایت در کاربست‌های دینی و قرآنی، به خداوند اختصاص دارد؛ لکن دیگر مشتقات واژه «رضی» در قرآن، هم در مورد خداوند و هم در مورد انسان به کار رفته است، مانند: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» هم خداوند از راستگویان خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند (مانده: ۱۱۹) و «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ؛ آيا [شما ناراضیان از حضور در جبهه جهاد] به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید؟!» (توبه: ۳۸) (ر.ک: حسنی، ۱۳۹۸: ۴۵ - ۵۵).

رضوان از صفات فعل الهی است نه از صفات ذات؛ چراکه تغییر در صفات ذات، امکان ندارد و رضوان الهی تغییرپذیر است و ممکن است فردی به سبب عمل نیکی مورد رضایت الهی باشد و پس از مدتی به دلیل گناه مورد خشم غضب الهی قرار بگیرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۶/۹).

۲. رضایت الهی؛ بالاترین پاداش

قبل از بیان و بررسی چگونگی دسترسی به نعمت رضوان، لازم است پیرامون عظمت این نعمت در میان سایر نعمت‌های بهشت و همچنین درخواست این مقام عظیم از خداوند نکاتی بیان شود.

آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام بیانگر این مطلب است که بالاترین نعمت‌های الهی، رضایت خداوند از اعمال و کردار انسان است. آیه «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مانده: ۱۱۹) خشنودی خداوند را رستگاری بزرگ معرفی کرده و آیه «وَرِضْوَانُ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲)، این خشنودی را به عنوان بالاترین پاداش و نعمت بیان می‌دارد. نکره آمدن واژه «رضوان» در این آیه نیز یا به دلیل عدم درک حقیقت این

نعمت و حدود آن توسط انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۹/۹) یا برای بیان این است که کمترین رضوان الهی نیز از سایر نعمت‌های بهشتی، بالاتر و بهتر است (همان؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۰/۸).

حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا نعمت «رضوان» بالاترین نعمت و پاداش است؟ در پاسخ گفته می‌شود که اگر مقایسه‌ای بین روح و جسم داشته باشیم، متوجه می‌شویم جایگاه روح نسبت به جسم همانند جایگاه فرمانده و فرمانبر است و براساس آیات و روایات، هدف نهایی تکامل روح است و جسم، وسیله‌ای برای این هدف است؛ بنابراین لذت‌های روحی قابل مقایسه با لذت‌های جسمی نیستند، همان‌گونه که دردهای روحی به مراتب سخت‌تر و دردناک‌تر از دردهای جسمی‌اند (همان).

در تفسیر عیاشی از ثویر از علی بن الحسین علیه السلام روایت شده که فرمود: إذا صار أهل الجنة في الجنة - ودخل ولي الله إلى جناته ومساكنه، واتكأ، كل مؤمن على أريكته حفته خدامه، وتهدلت عليه الأثمار، وتفجرت حوله العيون، وجرت من تحته الأنهار، وبسطت له الزرابي، ووضعت له النمازق، وأتته الخدام بما شاءت هواه من قبل أن يسألهم ذلك - قال: وتخرج عليه الحور العين من الجنان فيمكثون بذلك ما شاء الله. ثم إن الجبار يشرف عليهم فيقول لهم: أوليائي وأهل طاعتي وسكان جنتي في جوارى الأهل أنبئكم بخير مما أنتم فيه؟ فيقولون: ربنا وأى شيء خير مما نحن فيه: فيما انتهت أنفسنا ولذت أعيننا من النعم في جوار الكريم؟ قال: فيعود عليهم القول فيقولون ربنا نعم - فأتنا بخير مما نحن فيه فيقول تبارك وتعالى لهم: رضاي عنكم ومحبتى لكم خير وأعظم مما أنتم فيه - قال: فيقولون: نعم يا ربنا رضاك عنا - ومحبتك لنا خير وأطيب لأنفسنا - . ثم قرأ على بن الحسين عليه السلام هذه الآية: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ - خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ - وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۹۶/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۹۸/۵).

وقتی اهل بهشت وارد بهشت شوند و ولی خدا به جنات و قصرهای خود درآید و هر مؤمنی بر تخت خود تکیه زند، خدمت‌گزارانش به دورش حلقه می‌زنند و شاخه‌های پر میوه، خود را به طرفش خم می‌کنند و در پیرامونش چشمه‌سارها جوشیدن می‌گیرد و از چشم‌اندازش نهرها به جریان می‌افتد و برایش بساطها گسترده می‌گردد و پشنتی‌ها برایش می‌گذارند و هر چه را که

بخواهد و اشتها کند قبل از آن که به زبان آورد، خدامش برایش حاضر می‌سازند و برایش حورالعین از جنان بیرون می‌آیند و بندگان خدا آن چه خدا بخواهد در این حالت و در این تنعم به سر می‌برند. تا آن که پروردگار جبار برای آنان تجلی می‌کند و می‌فرماید: ای اولیاء و ای اهل طاعت من! و ای ساکنان بهشت من که در جوار من منزل گرفته‌اید! میل دارید به شما از کرامتی بالاتر از آن چه دارید خبر دهم؟ عرض می‌کنند: پروردگارا! آن چیست که از این بهشت که هر چه بخواهیم در آن می‌یابیم، بهتر و بالاتر است؟ بار دیگر همان پرسش تکرار می‌شود و عرض می‌کنند: پروردگارا! بله؛ آن کدام خیر است که بهتر از این بهشت است؟ خدای تعالی می‌فرماید: رضایت من از شما و دوستی من نسبت به شماست که از آن لذت‌ها و نعمت‌ها که در آنید بهتر است. به عرض می‌رسانند: آری، پروردگار ما! رضایت تو از ما، و محبت تو، به ما، بهتر و گوارتر است. آن گاه علی بن الحسین این آیه را تلاوت فرمود: ﴿خداوند به مردان و زنان باایمان، باغ‌هایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود. و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگ‌تر است. این است همان کامیابی بزرگ﴾.

انسانی که در دنیا به دستور خداوند عمل کرده و به اعتقادات پای‌بند بوده و در حلال و حرام دقت داشته است و به درجه «نفس مطمئنه» رسیده، خدا هم از او راضی است.

آری! وقتی انسان در مزرعه دنیا زحمت می‌کشد، خود را تربیت می‌کند، نفس سرکشش را رام می‌سازد و همیشه مراقب نفس است تا در بزرگراه دنیا از مسیر اصلی خارج نشود و نهایت به مقام نفس مطمئنه دست پیدا می‌کند، سزاوار است بهترین محصول را در سرای آخرت برداشت کند که همان کسب رضایت و خشنودی خداوند متان است.

۳. دعا برای رسیدن به رضوان الهی

رسیدن به رضوان الهی به قدری مهم است که خداوند در سوره مبارک بقره وقتی درباره دعا کردن مردم بعد از مناسک حج صحبت می‌کند بیان می‌دارد، عده‌ای از خدا فقط نعمت‌های دنیایی را طلب می‌کنند: ﴿فَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا﴾ (بقره: ۲۰۰)؛ اما در مقابل، گروهی حسنه دنیا و آخرت را می‌خواهند و همان دعای معروفی است که روزانه بسیاری از مؤمنان و مؤمنات در قنوت نمازهایشان می‌خوانند: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (همان: ۲۰۱).

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه، کسب رضایت الهی را مقصود از حسنه آخرتی می‌دانند و می‌فرمایند: «رضوان الله و الجنة فی الآخرة و السعة فی المعیشه و حسن الخلق فی الدنیا؛ نیکی در آخرت رضایت خداوند و بهشت است و در دنیا رزق و معاش نیکو و نیکویی خُلق است» (حرّ عاملی، ۱۴۱۶: ۹/۱۷؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۲۹۹/۱).

این آیه علاوه بر دعوت به دعا برای رسیدن به رضوان الهی، بیانگر اهمیت و عظمت این نعمت در میان نعمت‌های بهشت است.

۴. چگونگی رسیدن رضوان الهی

پس از بیان نعمت رضوان الهی لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که چه اموری سبب رضایت خداوند از بنده خواهد شد و بنده را به مقام رضوان الهی - که بالاترین پاداش معرفتی شده - می‌رساند؟ در این قسمت با استفاده از آیات قرآن کریم به معرفی برخی از این اسباب می‌پردازیم:

۴-۱. ایمان و عمل صالح

خداوند در سورة بَیِّنَه به دو عامل بسیار مهم برای دستیابی به رضایت الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾؛ (بَیِّنَه: ۷) آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند، به حقیقت بهترین اهل عالمند. سپس در آیه بعد نتیجه ایمان و عمل صالح را - که همان رضایت الهی باشد -، بیان می‌کند: ﴿جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ﴾؛ (بَیِّنَه: ۸) پاداش آن‌ها نزد خدایشان باغ‌های بهشت عدن است که نهرها زیر درختانش جاری است و در آن بهشت ابد جاودان متنعّمند. خدا از آنها خشنود است و آن‌ها هم از خدا خشنودند. این بهشت، مخصوص کسی است که از خدا بترسد [و به طاعت او پردازد].

در این آیه، ایمان و عمل صالح - که نتیجه خشیت نسبت خداوند است - از اسباب رسیدن به مقام رضوان الهی بیان شده است که در ادامه به بررسی این دو مورد پرداخته می‌شود.

انسان با ایمان راستین و حقیقی به خداوند و انجام دادن کارهای نیک می‌تواند رضایت الهی را به دست آورد. از آن‌جا که ایمان از مهم‌ترین موضوعات اعتقادی است و برخی آن را اقرار زبانی و اعتقاد قلبی تنها دانسته‌اند و تعبیر و برداشت‌های نادرستی از ایمان دارند و قرآن نیز به

این موضوع پرداخته و قطعاً هر ایمانی انسان را به مقام رضوان نمی‌رساند، لازم است انواع ایمان را از دیدگاه قرآن بیان کنیم تا ایمان حقیقی از دیگر اقسام آن شناخته شود:

۴-۱-۱. ایمان فصلی

برخی از مردم تا زمانی که همه امور، باب میل آن‌ها باشد، به خداوند ایمان دارند و نسبت به انجام دادن واجبات و ترک کردن محرمات الهی مراقبت می‌کنند؛ اما با مواجهه با بلا، گرفتاری یا هر چیزی که مورد خوشایند آنان نیست، نسبت به ایمان و اعتقادات خود سست می‌شوند و برخی در مسیر بی‌ایمانی قدم برمی‌دارند. خداوند در آیه ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يْعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می‌پرستند [و ایمان قلبیشان بسیار ضعیف است]؛ همین که [دنیا به آنها رو کند و نفع و] خیری به آنان برسد، حالت اطمینان پیدا می‌کنند؛ اما اگر مصیبتی برای امتحان به آنها برسد، دگرگون می‌شوند [و به کفر رومی‌آورند]! [به این ترتیب] هم دنیا را از دست داده‌اند و هم آخرت را؛ و این همان خسران و زیان آشکار است! ﴿(حج: ۱۱)﴾، از این دسته نام می‌برد و نتیجه این ایمان، نه تنها انسان را به رضوان نمی‌رساند، بلکه دنیا و آخرت وی را دچار خسران و ضرر غیرقابل جبران می‌کند.

۴-۱-۲. ایمان گزینشی

در کنار ایمان فصلی، ایمان گزینشی هم وجود دارد و دارندگان این نوع ایمان، هرچند در همه زمان‌ها اعتقاد به خداوند دارند، لکن در میان دستورهای الهی می‌چرخند و آنچه را که با مذاق آنان سازگاری دارد انتخاب می‌کنند و آنچه را که با طبعشان ناسازگار است، کنار می‌گذارند: ﴿أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ آیا به بعضی از دستورهای کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل [تبعیض در میان احکام و قوانین الهی] را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست ﴿(بقره: ۸۵)﴾.

دارندگان چنین ایمانی نه تنها بهره‌ای از رضوان الهی ندارند، بلکه در این دنیا دچار خواری و رسوایی شده و در عالم آخرت نیز گرفتار شدیدترین عذاب‌ها و عقوبت‌ها خواهند شد.



۴-۱-۳. ایمان حقیقی

اما ایمان واقعی و راستین که سبب رسیدن به نعمت رضوان است، ایمانی است که در آن شک و تردیدی نسبت به اعتقادات راه پیدا نمی‌کند و صاحبش در مسیر الهی از جان و مال خود می‌گذرد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ (حجرات: ۱۵).
استفاده از واژه «ثُمَّ» در آیه بیانگر این است که شک نداشتن به ایمان و اعتقادات، منحصر در زمان ابتدای ایمان نیست؛ بلکه این عدم شک، استمرار دارد و در زمان‌های آینده نیز این‌گونه است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸/۳۲۹).

۴-۱-۴. نگهداری عمل

نکته‌ای که درباره اعمال صالح باید دقت داشت، بیمه کردن این اعمال از آفات است؛ چراکه به فرموده قرآن ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَلِهَا﴾؛ (انعام: ۱۶۰) کسی که عمل صالح را تا قیامت بیاورد، ده برابر پاداش داده می‌شود. گاهی مواقع عمل از همان ابتدا باطل است، مانند کسی که عمل صالح و نیکی را از باب ریا انجام می‌دهد یا پس از عمل با برخی از حرکات آن را باطل می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾ (بقره: ۲۶۴).
بنابراین عمل صالحی نعمت رضوان الهی را نصیب انسان می‌کند که در برابر آفات گوناگون سم‌زدایی شود.

۴-۱-۵. خشیت

برخی از لغت‌شناسان این واژه را به معنای مطلق ترس دانسته‌اند (مهنا، ۱۴۱۳: ۱/۳۴۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴/۲۸۴) و برخی آن را ترسی که با تعظیم و بزرگداشت چیزی همراه است، معنا کرده‌اند و معتقدند که این حالت، بیشتر از راه علم و آگاهی نسبت به چیزی که از آن خشیت و بیم است، حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۳).
عبارت «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» در پایان آیه دلالت بر این مطلب دارد که ملاک چنین مکرمت و عنایت بزرگ، ترس الهی است که آن مقدم به طاعات و تارک محرمات است. (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۴/۳۰۰).

بنابراین انسان مؤمن باید دائماً بین خوف و رجا باشد؛ از سویی از عظمت الهی بترسد و از سویی دیگر به رحمت الهی امیدوار باشد.

۲-۴. تقوا

خداوند در سوره آل عمران، تقوا را عامل دیگری برای رسیدن به رضوان الهی معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿قُلْ أُوْتِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این [سرمایه‌های مادی]، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، [و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند]، در نزد پروردگارشان [در جهان دیگر]، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند [نصیب آن‌هاست]. و خدا به امور بندگان، بیناست ﴿(آل عمران: ۱۵)﴾.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى وَجَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَا وَحَاجَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳)؛ شما را به پرهیزگاری سفارش کرد و آن را منتهای خشنودی خود و خواسته‌اش از بندگان خویش قرار داد.

کسی که اهل تقوا شد و ملکه تقوا را در خود ایجاد نمود و نسبت به اعمال، با تقوا برخورد کرد، به رضوان و خشنودی الهی هم نائل می‌شود.

۳-۴. هجرت و جهاد

قرآن، مهاجران از خانه و کاشانه و همچنین مجاهدان با جان و مال در راه خدا را دارای مقامی والا دانسته و آنان را از سعادت‌مندان دو جهان معرفی کرده و مقام رضا و خشنودی خود را به ایشان بشارت داده است: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةٍ عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَبْسُرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾؛ آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند، آن‌ها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان به‌ویژه رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند.

پروردگارشان آنان را به رحمت بی‌منتهای خود و به مقام رضا و خشنودی خویش و به بهشت‌هایی که در آن جا آن‌ها را نعمت جاودانی است بشارت می‌دهد ﴿(توبه: ۲۱ - ۲۰)﴾.



۴-۴. هجرت برای دینداری

انسان می‌بایست برای حفظ دین و اعتقاداتش، اگر لازم به هجرت شد، مهاجرت کند؛ چراکه قرآن کسانی را که اقدام به مهاجرت نداشتند، مذمت کرده است؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ (نساء: ۹۷)

مقصود از «ظلم» در آیه، ظلم به نفس است که به دلیل حضور در سرزمین کفر و دور شدن از اعتقادات برای انسان رقم می‌خورد و زمانی که ملانکه پس از مرگ درباره وضعیت ایمان و اعتقادات و دینداری این افراد می‌پرسند، آنان خودشان را مستضعف می‌دانند؛ اما مورد توبیخ ملانکه قرار می‌گیرند که چرا از سرزمین کفر مهاجرت نکردند؟ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۸/۵).

بنابراین کسانی که برای حفظ دین و مبانی اعتقادی خود رنج هجرت را به جان می‌خورند و از خانه و کاشانه خود کوچ می‌کنند، سزاوار رسیدن به بالاترین و باارزش‌ترین نعمت‌های الهی یعنی نعمت رضوان هستند.

۵-۴. تلاش برای پیشبرد راه خدا

واژه «جاهدوا» فعل ثلاثی مزید باب مفاعله به معنای «بذل سعی و تلاش» است (زبیدی، ۱۴۱۴: ۴/۴۰۸) و در این آیه یعنی «به‌کارگیری تمامی توان خویش در پیشبرد راه خدا» است. بنابراین مجاهده با مال‌ها و جان‌ها یعنی به‌کارگیری تمام توان و قدرت برای انجام دادن واجبات مالی مانند پرداخت خمس و زکات و ... و واجبات بدنی مانند نماز و روزه و ... (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲۹/۱۸).

کسانی که در زندگی دنیا با تمام قدرت و توان در مسیر برپایی و انجام دادن دستوره‌های خداوند متان گام برداشته‌اند، نتیجه این مجاهدت را در قیامت با خشنودی خداوند دریافت خواهند کرد.

۶-۴. آیه ۷۱ توبه و رضوان الهی

خداوند در آیه ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه: ۷۱) به بیان شش ویژگی از اوصاف مؤمنان پرداخته و در آیه بعد، ضمن بیان پاداش صاحبان این اوصاف، به پاداش «رضوان» نیز اشاره دارد: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَبِيعَةً فِي جَنَاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾ (توبه: ٧٢).

۷-۴. امر به معروف و نهی از منکر

مسئله امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین واجبات دین اسلام است که در آیات و روایات در اهمیت و جایگاه آن، فراوان سخن گفته شده است، مانند این قول امیرالمؤمنین (ع) که آن را از اوصاف الهی دانسته است: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَخُلُقَانٍ مِنَ خُلُقِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ۹۷: ۸۹) و پیامدهایی در انتظار فراموش‌کنندگان این فریضه الهی است.

۸-۴. برپایی نماز و پرداخت زکات

اقامه نماز و پرداخت کردن زکات، دو رکن اساسی دین اسلام است که یکی رابطه انسان با خالق را بیان می‌کند و دیگری رابطه بین انسان و مخلوق را در بردارد. به عبارت دیگر، نماز، عبادت غیرمالی است و زکات، عبادت مالی که نتیجه انجام دادن هر دو، رسیدن به رضوان الهی است.

۹-۴. اطاعت از خدا و پیامبر

آخرین سببی که در این پژوهش برای دستیابی به این نعمت بزرگ بیان می‌شود، اطاعت‌پذیری از خداوند و پیامبر اکرم است. خداوند اطاعت از خودش و پیامبر را به صورت مطلق و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی بیان کرده که نشانگر راه نجات و سعادت بودن این عامل است و انسان را به رضوان الهی می‌رساند.

۵. نتیجه‌گیری

رضوان الهی به‌عنوان بزرگ‌ترین نعمت بهشتیان، به‌معنای خشنودی فراوان خداوند از بنده است. نعمت رضوان الهی از نعمت‌های معنوی بهشتیان خواهد بود و از آن‌جایی که هدف نهایی خلقت، تکامل روحی انسان است، این نعمت به‌عنوان بالاترین نعمتی که از جانب خداوند شامل بندگان ویژه در بهشت می‌شود، معرفی شده است.

برای رسیدن به این نعمت علاوه بر تضرع و زاری و دعا در پیشگاه خداوند متان، لازم است انسان ایمان حقیقی و واقعی و بدون لحظه‌ای شک را در خود ایجاد کند و با انجام دادن اعمال صالح، روزبه‌روز ایمان خود را تقویت بخشد و در صورت نیاز، در مواردی برای نگه‌داشتن اعتقادات و بنیان‌های اعتقادی از شهر و دیار خود هجرت کند و با تلاش و کوشش در مسیر



الهی به عبادت مالی و جانی بپردازد. همچنین علاوه بر اطاعت پذیری از خدا و رسول الهی، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان واجب الهی در برنامه زندگی خود بگنجاند.

کتاب نامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. حرّ عاملی، محمّد بن الحسن، (۱۴۱۶ ق)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: محمّدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲. حسینی، یونس، (۱۳۹۸)، «تحلیل معناشناختی رضوان در قرآن کریم»، معرفت، شماره ۲۶۵، ص ۴۵-۵۵.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمّد، (۱۳۷۴ ش)، مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، دوم.
۴. شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۵. طباطبائی، سید محمّد حسین، (۱۳۹۰ ق)، المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیّه قم، پنجم.
۶. عیّاشی، محمّد بن مسعود، (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیّاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، کتاب العین، قم: مؤسسه دارالهجره.
۸. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، (۱۴۰۵ ق)، فقه القرآن، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۹. قمی مشهدی، محمّد بن محمّدرضا، (۱۳۶۸ ق)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. مجلسی، محمّدباقر بن محمّد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدُرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. مرتضی زبیدی، محمّد بن محمّد، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: محمّد بن یعقوب فیروزآبادی، بیروت: دارالفکر.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۱ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، سی و سوم.
۱۳. مهنا، عبدالله علی، (۱۴۱۳ ق)، لسان اللسان، بیروت: دارالکتب العلمیه.